

جایگاه علمی، عقیده و مذهب پیر هرات شیخ الاسلام انصاری

نویسنده: پوهندوی فضل الرحمن فقیهی

چکیده

پیر هرات از شخصیت‌هایی است که همه دانشمندان و اهل نظر به تعالی جایگاهش اعتراف دارند. وی به نبوغ استعداد و نیروی حافظه شهرت به سزایی داشته؛ چنان‌که شمار زیادی از اشعار عربی و فارسی دری و نیز هزاران روایت از احادیث نبوی در حافظه‌اش ثبت بوده و او به روایت آن‌ها می‌پرداخته است؛ به همین گونه جایگاه علمی پیر هرات از کثرت و بلندی مرتبه تألیفات و آثارش به اثبات می‌رسد. شیخ الاسلام انصاری در عقیده خود روش سلف صالح را اختیار کرده است و به مدلول ظواهر آیات و احادیث نبوی عقیده دارد و از تأویل نصوص شرعی اجتناب می‌نماید. همچنان‌او با ائمه اربعه در عقیده و اندیشه موافق است؛ اما نگاه وی با برخی دیدگاه‌های متأخران پیرو این مذاهب، که به تأویل و خردگرایی گرویده اند موافقت نمی‌نماید. در باره مذهب پیر هرات نظریات متفاوت وجود دارد، به نظر می‌رسد که وی در عقیده حنبلی بوده و در امور

عبادی و عملی از فقه شافعی پیروی می کرده است.

واژه گان کلیدی: انصاری، عقیده، مذهب، نصوص گرایی، تأویل، عقل گرایی.

مقدمه

شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری متولد ۳۹۶ و متوفای ۴۸۱ ه.ق. (براون، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۰۵) معروف به پیر هرات، یکی از دانشمندان، عارفان، شاعران، نویسندگان، محدثان و رجال بنام و برجسته هرات باستان است که سیطره نام و شهرتش همه جهان را در نوردیده است. او در همه ابعاد زنده گی خود از نواغ روزگار خود بوده و همه اهل تحقیق به استعداد خارق العاده و استقامت بیش از حد وی بر مبانی شریعت الهی، اعتراف و اقرار داشته اند.

پیر هرات در سرایش شعر، نوشتن نثر، روایت حدیث، تلقین وعظ، ارائه خطابه و نظریه پردازی های عرفانی و عقیدتی جایگاه والایی داشت. ارزش شناخت شیخ الاسلام انصاری در نگاه دانشمندان و اهل تحقیق بسیار متعالی و به حدی است که در برنامه درسی فوق لیسانس دانشگاه هرات، مضمون «انصاری شناسی» جای داده شده است؛ بنابراین، شناخت ابعاد متنوع زنده گی و افکار پیر هرات از موضوعات ارزشمند در حوزه ادب فارسی دری و اندیشه های اسلامی است. مهمترین و پیچیده ترین مبحث در شناخت شیخ الاسلام انصاری، مرتبه علمی و آشنایی با عقیده و مذهب اوست که تا کنون در باره آن به گونه واقعی پژوهشی صورت نگرفته است؛ چه نوشته های در این باره، از یک طرف اندک اند و از جانب دیگر، در آنها به حقایق از عقیده و اندیشه های وی توجه عمیق صورت نگرفته است. در این مقاله جایگاه علمی، گرایش های عقیدتی و مشرب مذهبی شیخ الاسلام به بحث و بررسی گرفته شده است.

الف. جایگاه علمی پیر هرات

شیخ الاسلام انصاری در تمام ابعاد حیات و به ویژه در آموزش و تحصیل و در اشاعه علم و دانش در میان امت اسلامی جایگاه بس والایی داشته است. جایگاه دانش و ابعاد گوناگون حیات علمی

وی در استقامت‌های زیر قابل بررسی اند.

۱. حافظه، نبوغ و استعداد

از خصوصیات منحصر به فرد پیر هرات قوت حافظه و نبوغ استعداد اوست. او همچنان که در تذکرها و در آثار خود او ثبت شده، از خردسالی در همه امور نبوغ داشته و در قوت حافظه نیز شخصیت ممتاز بوده است. وی در هنگام آموزش و تحصیل - بعد از رشد ابتدایی علمی و ادبی - به نیروی حافظه شهرت داشت. مولانا جامی از پیر هرات نقل کرده که گفته است: «مرا شش هزار شعر تازی است و صد هزار بیت از اشعار عرب به خاطر دارم و...» (جامی؛ ۱۳۶۵: ۴۰۵) به همین گونه سایر اهل علم و تاریخ نگاران نیروی حافظه او را ستوده اند. ذهبی در «تذکره الحفاظ» به نقل از ابن طاهر، حفظ دوازده هزار حدیث را به پیر هرات نسبت داده است. (ذهبی؛ ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۴۹)

این روایات می‌رسانند که پیر هرات در نیروی استعداد، ویژه‌گی برارنده و کم نظیر داشته و این خصوصیت یکی از اموری است که او را در حوزه تحقیق و انتشار علوم و معارف اسلامی، سرآمد دوران خود او و دوره‌های بعدی ساخته است.

۲. تبجر در حفظ و روایت حدیث

پیر هرات ضمن این که در فقه و تصوف جایگاه بلند داشت و در این دو رشته، صاحب آرای متقن و استوار بود، در روایت حدیث جایگاه بس والا داشته و از بزرگترین محدثان زمان خود شمرده شده است. وی در طلب حدیث نبوی و اخذ حدیث از مشایخ بزرگ زحمت‌های فراوان کشیده بود. از او روایت شده که می‌گفت: «آنچه من کشیدم در طلب مصطفی هرگز کس نکشیده باشد، یک منزل از نیشاپور بود تا زیاد که باران می‌آمد و من در رکوع می‌رفتم و جزوهای حدیث به شکم باز نهاده بودم تا تر نشود». (جامی؛ ۱۳۶۵: ۳۳۴)

او بیشتر عمر خود را در اخذ و کتابت حدیث نبوی سپری می‌کرد و همین تبجر و اشتغال وی به حدیث نبوی باعث گرایش وی به مذهب امام احمد بن حنبل شده بود؛ زیرا، بنیاد مذهب فقهی

امام ابن حنبل را حدیث نبوی تشکیل می‌دهد. شیخ الاسلام انصاری در زمینه اخذ و تعلیم حدیث می‌فرماید:

«من از سه صد تن حدیث نوشتم که همه سنی بوده‌اند و صاحب حدیث؛ نه مبتدع و صاحب رأی و هیچ‌کس را این میسر نشده است». (جامی؛ ۱۳۶۵: ص ۳۳۴)

شماری از علما برای شیخ الاسلام انصاری در علم حدیث نبوی درجه حافظ را قایل شده‌اند؛ چنان‌که زرکلی در «الاعلام» بر این امر تصریح کرده است. (زرکلی؛ ۲۰۰۲: ج ۴، ص ۱۲۲) این نسبت سخن گزافه‌یی نیست؛ زیرا، وی شایسته‌گی این لقب را داشته است. از وی روایت شده که می‌گفت: «من دوازده هزار حدیث حفظ دارم و آن‌ها را بالفعل روایت می‌نمایم». (سیوطی؛ ۱۴۰۳: ۴۴۱) باز مولانا جامی در نفحات الانس از وی روایت کرده که گفته است: «...من سیصد هزار حدیث یاد دارم...». (جامی؛ ۱۳۶۵: ۴۰۵) این روایات هرچند متفاوت‌اند؛ اما تبحر وی را در علم و روایت حدیث می‌رسانند.

شکی نیست که شیخ الاسلام با احادیث نبوی محشور بوده و زنده‌گی و آراء و افکار خود را در روشنایی روایات و سخنان پیامبر اسلام بنیاد می‌نهاد. او در زمینه دوام سر و کارش با حدیث نبوی می‌گوید: «به روزگار من هیچ‌کس آن نکرده که من، اگر من دست بر اندام خود نهادمی، گفتمندی که این چیست، آن را حدیث داشتمی». (جامی؛ ۱۳۶۵: ۳۳۴) بدین‌گونه که گفته آمد او از بزرگان اهل حدیث شمرده می‌شود. شمار زیادی از مشایخ حدیث را دیده و از آنان حدیث آموخته و نیز بزرگانی از اهل معرفت و تحقیق از وی حدیث اخذ نموده‌اند.

۳. مهارت در علوم روزگار

خواجه انصار در همه علوم روزگار خود مهارت کامل داشت و به درجه قابل اعتنایی دست یافته بود؛ چنان‌که بیشتر اهل علم بعد از وی به جامعیت وی اعتراف داشته‌اند. زرکلی یکی از تذکره نگاران در کتاب معروفش «الاعلام» می‌گوید: «وی در علم لغت تبحر و مهارت داشت،

در حدیث حافظ بود، در تاریخ و انساب معرفت داشت و مدافع سنت و دعوتگر به سوی آن بود». (زرکلی؛ ۲۰۰۲: ج ۴، ۱۲۲)

دیگر تذکره نگاران نیز شایسته گی و زبردستی وی را در لغت، روایت حدیث و معرفت به تاریخ و انساب تأیید و تأکید کرده اند. (ابوزید؛ ۱۴۰۷: ۱۰۳) جایگاه علمی، ادبی و عرفانی شیخ الاسلام انصاری تأثیر خود را بر همه گان به جا گذاشته بود؛ طوری که به شوکت معنوی وی اعتراف داشته اند و به او به دیده قدر می نگریستند. صریفینی حنبلی در «المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نيسابور» در مورد پیر هرات می گوید: «او در هرات، شیخ الاسلام بود، طوری که در زمان خویش مورد قبول دانشمندان قرار گرفته بود و به بزرگی، حسن و عظم و تذکیر شهرت داشت. وی دارای حشمت و قدرت معنوی، رونق و استیلای دایم بر خاص و عام در سرزمینش بود...». (صریفینی؛ ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۱۱)

ذهبی در «تذکرۃ الحفاظ» از عبد الغافر بن اسماعیل روایت کرده و گفته است: پیر هرات در زبان عربی و حدیث و تاریخ و انساب، حظ وافر داشت، در تفسیر امام بود و در تصوّف سیرت نیکو داشت. (ذهبی؛ ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۵۴)

ابن نقطه در اثرش «التقید لمعرفة رواة السنن والمسانید» با سلسله اسنادش، در مورد شیخ الاسلام انصاری از مؤتمن بن احمد الساجی روایت کرده که گفت: «او در تذکیر و تصوّف، سلطان العلماء بود که در مجالس و عظم، احادیث را با اسناد روایت می کرد و در علم لغت صاحب مرتبه بود». (ابن نقطه؛ ۱۴۰۸: ج ۱، ۳۲۳-۳۲۵)

جایگاه علمی شیخ الاسلام انصاری از سرگذشتی که در ری در دوره حکمروایی سلطان محمود متوجه وی شد، به خوبی هویدا می گردد. ذهبی در تذکرۃ الحفاظ از خود پیر هرات نقل کرده که گفته است: من قصد کردم که به خدمت ابوالحسن خرقانی صوفی برسم. هنگامی که عزم کردم از نزد وی باز گردم، تصمیم گرفتم حافظ ابی حاتم بن خاموش را که بزرگ و مقتدای

اهل سنت در ری بود ملاقات نمایم. این بدان دلیل بود که چون سلطان محمود به ری داخل شده بود و گروه باطنیه را کشته بود، جزایی حاتم همه گان را از موعظه ممنوع ساخته بود و هر که به ری داخل شدی، اعتقاد او برایی حاتم عرضه می گردید، اگر وی راضی شدی، برایش اجازه داده می شد با مردم تماس بگیرد و در غیر آن ممنوع می بود. وی گوید: هنگامی که به ری نزدیک شدم، شخصی از اهل ری با من همراه شد و از مذهب پرسید. من گفتم: حنبلی هستم. او گفت: این مذهبی است که من تا کنون نشنیده ام و بدعت است. سپس وی مرا محکم گرفت و گفت: تا تو را نزد ابی حاتم نبرم رها نمی کنم. من متحیر ماندم و مرا به خانه ابی حاتم که در آن روز مجلس بزرگی داشت برد و گفت: من از مذهب این شخص پرسیدم، مذهبی را یاد کرد که تا حالا نشنیده ام. ابو حاتم گفت: آن چه مذهبی است؟ آن شخص گفت که می گوید من حنبلی هستم. ابو حاتم گفت: رهائش کن، هر که حنبلی نباشد، مسلمان نیست. من با خود گفتم: این شخص واقعاً دارای جایگاهی است که به من توصیف شده بود و برای چند روز مجلس وی را لازم گرفتم. (ذهبی؛ ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۵۰)

پیر هرات بر علاوه روایت و تدریس حدیث، در تفسیر قرآن کریم تبحر داشت و جایگاه علمی بس والایی را به دست آورده بود. چنان هویدا می شود که او بیشتر تفسیرهای قبل از خویشتن همه را دیده و از نظر گذرانده و در تدریس و تذکیر از آن ها استفاده می کرده است. ابن طاهر گفته که از شیخ الاسلام انصاری در هنگام تدریس تفسیر قرآن کریم شنیدم که می گفت: من این معانی را برای تان از یک صد و هفت تفسیر ذکر می کنم. (ذهبی؛ ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۵۰) همچنان گفته شده که شیخ الاسلام انصاری در تفسیر این فرموده حق تعالی: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ...» (الأنبياء: ۱۰۱) سه صد و شصت مجلس را برپا داشت و به تدریس و وعظ پرداخت. (ذهبی؛ ۱۴۲۷: ج ۱۴، ۴۲)

ب. گرایش‌های عقیدتی

شیخ الاسلام انصاری هرچند بدون شک و به اعتراف همه اهل دانش و تحقیق، از مشایخ طریقت و از بزرگان عرفان اسلامی است؛ اما وی نسبت به همه بزرگان صوفیه و نیز با همه دانشمندان معاصر خود فرقی بارز و لسانی باهر داشت. او افکار عقیدتی ویژه خود را داشت که در برخی موارد با عقیده و اندیشه صوفیان و دانشمندان معاصر وی و نیز با عقیده آینده‌گان فرق دارد. ویژه‌گی‌های عقیدتی شیخ الاسلام انصاری در موارد زیر قابل تحقیق و توجه‌اند.

۱. تمسک به ظواهر نصوص

پیشتر اشاره شد که شیخ الاسلام انصاری، ضمن این که در تصوف و عرفان جایگاه بلند داشت، اهل حدیث بود؛ از این رو، بنیاد همه تفکرات او به خصوص اعتقادات او را نصوص شرعی تشکیل می‌داد. او در همه امور و به طور خاص در عقیده، سخت پایبند به کتاب و سنت بود و از این دو منبع عدول نمی‌کرد. ابو سعد سمعانی گفته است: شیخ الاسلام انصاری رواج دهنده سنت بود و به سوی آن دیگران را تشویق می‌نمود... او هرگز از ظاهر نصوص کتاب و سنت تجاوز نمی‌کرد؛ بلکه به مدلولات آن دو منبع اعتقاد داشت؛ نه به گونه‌یی که مستلزم تشبیه باشد. پیر هرات هرگاه در مجالس خود سخن زدی با نصوص سر و کار می‌داشت و بدین سبب، مجلس وعظ و سخنان او تأثیر به سزایی داشته و شنونده را قناعت بخش بوده است. (ذهبی؛ ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۵۲)

تمسک شیخ الاسلام به کتاب و سنت به حدی بود که هرگاه با کسی مناظره عملی داشتی از کتاب و سنت استفاده و استدلال می‌کرد؛ زیرا، او پیرو این دو منبع قوی و پر فیض بود و همه چیز را وقتی اعتبار می‌داد که با این دو اصل موافقت داشتی. روایت شده که سلطان آلپ ارسلان سلجوقی، وقتی با وزیرش نظام الملک به هرات آمد، شماری از کسانی که خود را اهل علم و پیشوای حنفیه و شافعیه می‌دانستند؛ اما اهل تحقیق نبودند، از دست خواجه انصار به سلطان شکایه

بردند و خواستند تا او را جهت مناظره طلب کند. وزیر او را فراخواند و چون حاضر شد، برایش گفت: این مردم برای مناظرات جمع شدند. اگر حق با تو بود به مذهب تو رجوع می نمایند و اگر حق با آنان بود، تو یا به مذهب شان رجوع خواهی کرد و یا از عملکرد شان سکوت می نمایی. شیخ الاسلام انصاری برخاست و گفت: من با آن چه در آستین من است با آنان مناظره می نمایم. وزیر گفت: در آستین چیست؟ با اشاره به آستین راستش گفت که کتاب خداست و با اشاره به آستین چپش گفت که سنت رسول الله است و در آن صحیح بخاری و صحیح مسلم نمایان بود. وزیر در حالی که منتظر پاسخ بود، به جانب معارضان شیخ الاسلام نگاه کرد؛ ولی در میان آن جمع کسی حاضر نشد از این طریق با پیر هرات مناظره نماید. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۵۱؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۴، ۴۰)

۲. موافقت با سلف امت

دیگر از ویژه گی های عقیده شیخ الاسلام انصاری موافقت با سلف صالح، اعم از صحابه، تابعان و تبع تابعان است؛ یعنی، او در اندیشه و اعتقادات خود سلفی العقیده بوده است؛ به دلیل آن که عقایدش را از ظاهر آیات و احادیث نبوی برمی گرفت؛ از همین رو، برخلاف برخی از اشاعره و برخی از متأخران علما، به استوای حق بر عرش به گونه حقیقی و بدون تأویل قایل بود و نیز به علو و فوقیت حق تعالی بر عرش و بر همه کائنات عقیده داشت. این عقیده شیخ الاسلام انصاری امر تازه یی نبود؛ بلکه همه صحابه و تابعان از جمله امامان مذاهب اربعه و به ویژه امام ما ابوحنیفه رحمه الله نیز بر آن عقیده داشته است؛ چنان که در کتاب «الفقه البسط» بدان تصریح شده است. (ابوحنیفه؛ ۱۴۱۹: ۱۳۵)

ابن قیم الجوزیه هنگامی که عقیده به استوای الله جل جلاله بر عرش و علو و فوقیت حق تعالی بر عرش را مطرح می نماید. نخست، نقل و اثبات این گونه عقیده را از امام ابوحنیفه رحمه الله نقل کرده و بعد از آن می گوید: «این نوع عقیده از شیخ الاسلام ابی اسماعیل الانصاری در کتاب

الفاروق همراه با اسناد نقل شده است» (ابن قیم؛ ۱۴۰۸: ج ۲، ۱۳۹)؛ به همین گونه، ابن قیم علاوه کرده که کتاب «الفاروق» و «ذم الکلام» و دیگر آثار شیخ الاسلام، به علو حق تعالی و این که او تعالی به ذات خویش (بلاکیف) بر عرش استوا دارد تصریح کرده اند. هر که می خواهد به صلابت شیخ الاسلام در اثبات این صفات آگاه شود، به این دو کتاب مراجعه نماید. (ابن قیم؛ ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۷۸)

ابوسعید سمعانی نیز از وی نقل کرده و گفته است: شیخ الاسلام انصاری در کتابش الفاروق، با دلایلی از احادیث صحیح و حسن، ثابت ساخته که الله تعالی بر عرش که بالای آسمان هفتم است استوا دارد و از مخلوقاتش باین است. او دلایلی را از کتاب و حدیث ارائه داشته که خداوند جل جلاله (بلاکیف) فوق آسمان هفتم بر عرش است؛ اما علم و قدرت و سمع و نظر و رحمتش در هر مکان است. (ذهبی؛ ۱۴۲۷: ج ۱، ۴۱)

۳. موافقت با ائمه اربعه

شیخ الاسلام انصاری در عقیده اش با امامان چهارگانه اهل سنت و جماعت موافقت تمام دارد؛ زیرا، او همچون آن بزرگواران، به حقیقت معانی آیات در باب صفات پروردگار قایل بود و از تأویل پرهیز می کرد. وی فوز و فلاح دنیا و آخرت را منوط و مربوط به پیروی از مذهب اهل سنت و جماعت می دانست؛ از این رو، از مذاهب غیر اهل سنت تبراً می جست و با بدعت در ستیز بود. او همانند سایر بزرگان اهل سنت و جماعت، حتی شخص سنی راسخ العقیده گنه کار را از متعبد آلوده به بدعت بهتر می شمرد؛ چنان که در رساله «پرده حجاب حقیقت ایمان» گفته است: «سنی مست افتاده در خمّار به از مبتدع آناء اللیل و اطراف النهار...». (انصاری؛ ۱۳۸۰: ۵۳۱)

به همین گونه شیخ الاسلام انصاری در باب تقسیم توحید، روش سلف و امامان را اختیار کرده با ایشان موافقت دارد. از وی نقل شده که می گوید: «توحید به دو گونه است: اول یگانه دانستن خداوند بزرگ به ربوبیت و الوهیت، نفی شریک و شبهه از او تعالی، اثبات بینونت وی از

مخلوقات، شناخت او به این گونه که کسی با او در امور منازعه نمی کند، با وی در صفتی همانندی ندارد، حکم او را دفع کرده نمی تواند و دانستن کیفیت و ادراک صفات وی ممتنع است. این توحیدی است که ضد آن شرک اکبر است...؛ اما گونه دیگر اخلاص عمل برای خداوند، نفی ریاکاری و سمعه در عبادات است. بعد از آن تنها اعتماد داشتن و تفویض امور به حق تعالی و نیز خوف از عذاب خدا و امیدواری به رحمت اوست. ضد این گونه توحید شرک اصغر است. (سلماسی؛ ۱۴۲۲: ۱۴۹-۱۵۰)

تقسیم توحید با چنین روشی از امام ابوحنیفه در فقه اَبسط، از امام طحاوی در عقیده طحاویه، از امام ابن بطة در کتابش الابانه، از امام ابن منده در کتابش التوحید و نیز از سایر اهل علم و تحقیق روایت شده است. (سلماسی؛ ۱۴۲۲: ۱۴۶)

۴. مخالفت با تأویل و عقلگرایی

یکی دیگر از ویژه گی های عقیدتی پیر هرات، دوری از تأویل و مخالفت با عقلگرایی محض در امور عقیدتی است. شیخ الاسلام بر این نظر است که باید عقاید خویش را، نه از استدلال های عقلی محض؛ بلکه از نصوص شرعی گرفت و آن جا که توان عقل و خرد انسانی از حقیقت مدلول نصوص عاجز است، نباید به تأویل روی آورد. در همین مورد از وی نقل شده که می فرمود: «ایمان ما از راه سمع است نه به حیل عقل؛ به قبول و تسلیم است نه به تأویل و تصرف. گر دل گوید چرا؟ گوی که من امر را سرافکنده ام؛ اگر عقل گوید که چون؟ جواب ده که من بنده ام. ظاهر قبول کن و باطن بسپار؛ هر چه مُحَدَّث است بگذار و طریق سلف بمدار». (میبدی؛ ۱۳۷۱: ۶، ۳۱۲)

پیر هرات در باب صفات پروردگار، چون استوا بر عرش در آیه مبارکه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵) که شماری از متأخران به تأویل آن اقدام کردند، از تأویل دوری می جوید و با پیروی از سلف به ظاهر آن عقیده دارد؛ در همین باب می گوید:

«استوای خداوند بر عرش در قرآن است و مرا بر این ایمان است، تأویل نجویم که تأویل در این باب طغیان است، ظاهر قبول کنم و باطن تسلیم؛ این اعتقاد سنّیان است و نادریافته به جان پذیرفته، طریقت ایشان است». (میبذی؛ ۱۳۷۱: ۶: ۱۱۱)

عقیده به مدلولات نصوص و مخالفت با شیوه تأویل در اندیشه پیر هرات باعث شده تا در سخنان وی خردگرایی که در شیوه برخی از متأخران پیروان مذاهب اربعه ایجاد شده، به نقد گرفته شود. او هرچند همان گونه که یادآوری شد، با عقیده امامان مذاهب اربعه موافق است؛ اما با تخلفات تأویلی متأخران منسوب به ائمه، مخالفت داشته روش‌شان را نادرست می‌داند؛ از این‌رو، در مجموعه رساله «۷۸۸ هجری» می‌گوید: «حنیفی باش، نه معتزلی؛ شافعی باش نه اشعری؛ حنبلی باش، نه مجسمی». (انصاری؛ ۱۳۸۰: ۶۸۹) ملاحظه می‌شود که او پیروی هریک از مذاهب را ستوده می‌داند؛ به شرط این که به خردگرایی محض و تأویل نکشد و در روش اصلی امامان که تسلیم به نصوص است باقی بماند؛ بنابراین، روایتی که گفته اند پیر هرات گویا «بر اشعریان بسیار سختگیری می‌کرد»، (ابن ابی‌یعلی؛ ج ۲، ۲۴۷) به همین سبب بوده که متأخران آنان از رأی ظاهر کتاب و سنت به تأویل روی می‌آوردند و شیخ الاسلام با آنان نمی‌توانسته موافقت نماید؛ یعنی که وی به حقانیت روش امامان اهل سنت و جماعت قایل است، اما تأویلات و تخلف‌هایی را که در مذاهب شان بعد از آن بزرگواران پدید آمده، مورد انتقاد قرار می‌دهد.

ج. مشرب مذهبی

در باره مذهب شیخ الاسلام انصاری چند نظر متفاوت ارائه شده است که در این مبحث به توضیح هر کدام پرداخته می‌آید.

۱. نظر برخ تذکره نگاران

شماری از دانشمندان و تذکره نویسان شیخ الاسلام انصاری را به طور مطلق حنبلی دانسته اند و از وی روایاتی را که دال بر این مدعاست نقل کرده اند. ابن ابی‌یعلی در «طبقات الحنابل» به

روایتی مسلسل و مستند با ذکر اسنادش می گوید:

شیخ الإسلام عبدالله انصاری در ضمن قصیده‌یی که آن را در شأن خویشتن سروده بود گفته

است:

أنا حنبلی ما حییت فإن أمت - فوصیتی ذاکم إلی إخوانی

إذ دینه دینی ودینی دینه - ما کنت إمعة له دینان. (ابن ابی یعلی؛ ج ۲، ۲۴۷)

«من تا هنگامی که زنده باشم حنبلی هستم، وصیتم توسط شما به برادران من همین است؛ زیرا، دین او دین من و دین من دین اوست، من شخص هر دم خیالی نیستم که دو دین داشته باشد». هم‌چنان ابن ابی یعلی در کتاب دیگرش «تذکره الحفاظ» ضمن این که پیر هرات را حنبلی دانسته، از وی نقل کرده که سایر مردم را نیز در مواعظ خود بر منبر به آن مذهب فرا خوانده و گفته است:

أنا حنبلی ما حییت وإن أمت

فوصیتی للناس أن یتحنبلوا

(ذهبی؛ ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۵۰)

«من تا زنده ام حنبلی هستم و اگر مردم، وصیت من به مردم این است که حنبلی شوند». هم‌چنان در همین کتاب روایت کرده از خود پیر هرات که می گوید: هنگامی که به ری نزدیک شدم، شخصی از اهل ری با من همراه شد و از مذهبم پرسید. من گفتم: حنبلی هستم (ذهبی؛ ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۵۰)؛ بر علاوه این روایات، ویژه گی تمسک به ظواهر نصوص و پرهیز از تأویل در عقیده و اندیشه پیر هرات که پیشتر در آن باره صحبت شد، در پهلوی سخنان خود او، نزدیکی و تمایل وی به مذهب حنبلی را به اثبات میرساند؛ چون او اهل حدیث بوده و این مذهب نیز بیشتر بر پایه نصوص شرعی بنا شده؛ نه بر بنیاد استدلال و رأی.

۲. بیان رسایل فارسی دری

در برابر آنچه در تذکره‌ها آمده و شهرت یافته که شیخ الاسلام انصاری حنبلی است، شافعی بودن پیر هرات نیز در رساله‌های خود او تسجیل یافته و تأیید شده است. در رساله «مجموعه ۷۸۸» پیر هرات آمده است: «از شیخ الاسلام قدس الله روحه العزیز سؤال کردند که چه مذهب داری، گفت: مذهب شافعی دارم، رضی الله عنه...» (انصاری؛ ۱۳۸۰: ۶۹۰) این بیان بر شافعی بودن شیخ الاسلام انصاری چنان صراحت دارد که هیچ شبهه‌ی را باقی نمی‌گذارد؛ هرچند نحوه بیان طوری است که بیان می‌دارد، این نقل قول از پیر هرات توسط کس دیگری ترتیب یافته و جمع آوری شده است.

۳. نظر مولانا جامی

مولانا جامی در نفحات الانس که آن را در موضوع زنده‌گینامه شماری از بزرگان صوفیه تألیف کرده، ابراز نظری اراده داشته است که می‌تواند هردو نگاه متفاوت مذکور را در خود جمع کند و میان آن‌ها توافق ایجاد نماید. وی گفته است که «پیر هرات در اصول دین و امور عقیدتی، پیرو مذهب امام احمد حنبل بود و در فروع از امام شافعی پیروی می‌کرد» (جامی؛ ۱۳۶۵: ۳۳۴)؛ یعنی، از دیدگاه مولانا جامی، شیخ الاسلام انصاری در حوزه مذهب، دو مشرب متفاوت داشته است. بدین گونه که در امور عقیدتی و اندیشه‌هایش، روش امام احمد بن حنبل را می‌پذیرفته و در امور عملی فقه اسلامی، روش امام شافعی را پیروی و تعقیب می‌کرده است.

با توجه به روایات گوناگونی که در باره مذهب شیخ الاسلام انصاری بیان شد، سخن مولانا جامی درست‌تر و مناسب‌تر می‌نماید و می‌تواند هردو روایت یادشده را آینه داری کند.

به هر صورت که فرض کنیم، در باره شیخ الاسلام انصاری این مسلم است که وی نصوص گرای تمام عیار و صوفی سلفی العقیده بوده که در همه امور، نصوص کتاب و سنت را معیار بحث و تحقیق و عمل خود قرار می‌داده است؛ اما این که برخی در فقه عملی او را شافعی و

برخی از دانشمندان به طور مطلق حنبلی خوانده اند، در شخصی چون پیر هرات چندان تفاوتی را به منصبه شهود نمی گذارد؛ زیرا، هر دو مذهب مذکور، در فقه عملی خود بیشتر به نصوص تکیه دارند؛ برخلاف فقه ما حنفیان که در پهلوی استدلال های روایی تا حدی بر استدلال های درایی پی ریزی شده است.

نتیجه گیری

از آن چه در این مقاله گفته آمد به دست می آید که شیخ الاسلام انصاری یکی از نامداران عرصه دانش و فرهنگ سرزمین ماست که دارای حافظه نیرومند و نبوغ و استعداد بوده در حفظ و روایت حدیث و نیز در همه علوم روزگارش تبحر داشته است. او دانشمندی نصوصگرا و عارفی سلفی العقیده یی بوده که تمسک به ظواهر نصوص کتاب و سنت و موافقت با سلف امت، یعنی صحابه، تابعین و ائمه اربعه، بنیاد عقیده او را تشکیل داده است؛ به همین گونه او به مدلول حقیقی نصوص کتاب و سنت عقیده دارد؛ چنان که از تأویل می گریزد و با خردگرایی محض می ستیزد؛ از این رو، اندیشه هایش با برخی از متأخران که از تأویل و استدلال های عقلی متأثر اند، سر سازگاری ندارد.

شماری پیر هرات را نسبت به دلایلی حنبلی خوانده اند و بعضی هم وی را شافعی دانسته اند؛ اما مولانا جامی بر این عقیده است که وی در عقیده حنبلی بوده و در فقه عملی پیرو مذهب امام شافعی است و نگاه و نظر شافعی با روایاتی که از خود پیر هرات نقل شده بیشتر می تواند مصداق داشته باشد.

مآخذ

۱. قرآن کریم.

۲. ابن ابی یعلی، أبو الحسین، محمد بن محمد. (۴). طبقات الحنابلہ. تحقیق محمد حامد

الفقی. بیروت: دوجلد، دار المعرفة.

٣. ابن قيم الجوزية، شمس الدين محمد بن أبى بكر بن أيوب بن سعد. (١٤٠٨هـ.ق/ ١٩٨٨م). اجتماع الجيوش الإسلامية. تحقيق عواد عبد الله المعتق. رياض: دوجلد، مطابع الفرزدق التجارية.

٤. ابن نقطة الحنبلى البغدادى، معين الدين محمد بن عبد الغنى بن أبى بكر بن شجاع. (١٤٠٨هـ.ق - ١٩٨٨م). التقييد لمعرفة رواة السنن والمسائيد. تحقيق كمال يوسف الحوت. (٩): دار الكتب العلمية.

٥. ابوحنيفة، نعمان بن ثابت بن زوطى بن ماه. (١٤١٩هـ.ق - ١٩٩٩م). الفقه الايسر. تدوين و تحقيق محمد بن عبد الرحمن الخميس. امارات عربية: مكتبة فرقان.

٦. أبو زيد، بكر بن عبد الله بن محمد بن عبد الله بن بكر بن عثمان بن يحيى بن غيهب بن محمد. (١٤٠٧هـ.ق - ١٩٨٧م). طبقات النسابين. رياض: دار الرشد.

٧. انصارى، خواجه عبد الله. (١٣٨٠). مجموعة ٧٨٨. به تصحيح و مقدمة محمد سرور مولايى. تهران: چاپ دوم، انتشارات توس.

٨. براون، ادوارد. (١٣٨١هـ.ش.). تاريخ ادبيات ايران (از فردوسى تا سعدى). ترجمة فتح الله مجتبائى. تهران: چاپ ششم، انتشارات مرواريد.

٩. جامى، نورالدين عبدالرحمن. (١٣٦٥). نفحات الانس من حضرات القدس. با مقدمة مهدي توحيدى پور. تهران: امير كبير.

١٠. الذهبى، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز. (١٤٢٧هـ.ق - ٢٠٠٦م). سير أعلام النبلاء. ١٨ جلد. قاهره: دار الحديث.

١١. ————. (١٤١٩هـ - ١٩٩٨م). تذكرة الحفاظ. ٤ مجلد. بيروت - لبنان: دار

الكتب العلمية.

١٢. الزركلى دمشقى، خير الدين بن محمود بن محمد بن على بن فارس.
(٢٠٠٢ م). الأعلام. (٢): چاپ پانزدهم، دار العلم للملايين.
١٣. السلماسى، أبو زكريا يحيى بن إبراهيم بن أحمد بن محمد أبو بكر بن أبى طاهر الأزدي.
(١٤٢٢ هـ.ق/٢٠٠٢ م). منازل الأئمة الأربعة أبى حنيف ومالك والشافعى وأحمد. تحقيق
محمود بن عبد الرحمن قدح. سعودى: مكتبة الملك فهد الوطنيه.
١٤. السيوطى، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر. (١٤٠٣ هـ.ق). طبقات الحفاظ. بيروت:
دار الكتب العلميه.
١٥. الصرّيفينى، الحنبلى، تقى الدين، أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن الأزهر بن أحمد بن
محمد. (١٤١٤ هـ.ق). المنتخب من كتاب السياق لتاريخ نيسابور. تحقيق خالد حيدر. (٢):
دارالفكر للطباعة والنشر التوزيع.
١٦. ميبذى، ابو الفضل، رشيد الدين. (١٣٧١ هـ.ش). كشف الاسرار و عدة الابرار. به تصحيح
محمد جواد شريعت. تهران: چاپ دوم، امير كبير.